

دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز

سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵

صص ۷۳-۸۵

اسامی بیماری جرب نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

علی اسلامی*

الهام هوشمند**

چکیده

ایران سرزمینی است که هیچ‌گاه در طی تاریخ طولانی‌اش دارای یک زبان و یک فرهنگ نبوده است. علی‌رغم انتظارات عمومی، تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها، با توجه به موقعیت استراتژیک آن در این منطقه حساس در دنیا، موجب استحکام بیش‌تر تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران شده است. روستائیان ایران، از قوم‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و با زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های گوناگونی گفت‌وگو می‌کنند. در دهه هشتاد پرسشنامه‌ای تهیه شد که با همکاری موثر سازمان دامپزشکی به اداره‌های دامپزشکی ۳۱ استان ارسال گردید. هدف این پژوهش، جمع‌آوری، ثبت و مکتوب نمودن اسامی محلی ویژه بیماری جرب نشخوارکنندگان است. جرب، حشره بسیار کوچکی است که پوست را سوراخ کرده و از لطف تغذیه می‌کند و موجب ضایعاتی از جمله ترشح سموم، خارش شدید و وضع اسفناک حیوانات آلوده می‌شود و از نظر اقتصادی خسارت مهمی ایجاد می‌کند. از نتایج این مطالعه که برای اولین بار در ایران انجام شد، در ۳۰ استان، ۸۴ گویش با طیف یک تا ۹ عدد در استان‌ها گزارش شده، ولی در استان البرز گویشی ذکر نشده است. به طور کلی، نتایج این مطالعه موجب غنی‌سازی

* استاد ممتاز انگل‌شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) aislami@ut.ac.ir

** استادیار انگل‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت drehooshmand@iaurasht.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۸

گنجینه گویش‌های ایرانی و ایجاد رابطه و تفاهم بین روستائیان و کسانی می‌شود که با حرفه دامپزشکی و بهداشتی سروکار دارند.

واژه‌های کلیدی: گویش، بیماری جرب، نشخوارکنندگان، ایران.

۱. مقدمه

از آن‌جا که زبان رکن اساسی فرهنگ و هویت هر قوم و ملت محسوب می‌شود، مطالعه و بررسی آن اهمیت بسیار دارد (کلباسی، ۱۳۸۸) و تنوع زبانی یکی از زیبایی‌های زبان‌ها و گویش‌ها است. روستائیان طی محاوره رایج با یکدیگر، از کاربرد واژه‌های مربوط به حوزه‌های کشاورزی و دامداری استفاده می‌کنند که ده‌ها و حتی صدها سال سینه به سینه منتقل شده‌اند. یکی از بیماری‌های عفونی نشخوارکنندگان ایران، بیماری جرب است. جرب‌ها از انگل‌های پوستی گوسفند، بز، گاو، اسب، سگ و خرگوش هستند. ضمناً یکی از بیماری‌های مهم مشترک واگیر بین حیوانات و انسان و آمیزشی است. آلودگی حیوانات به این انگل، موجب خسارت اقتصادی زیاد در اثر کاهش رشد و عوارض اخذ کم‌تر مواد غذایی می‌شود (رهبری^۱ و باهنر^۲، ۲۰۰۹). جمع‌آوری، ثبت و نوشتار این واژه‌ها در گنجینه گویش‌های ایرانی، حفظ شده و موجب ایجاد روابط و تفاهم با کسانی می‌گردد که در زمینه دامپزشکی و بهداشتی کار می‌کنند.

۱-۱. تاریخچه

این بیماری از زمانهای دور برای بشر شناخته شده است، به طوری که در عهد عتیق آمده و ارسطو نیز در قرن چهارم قبل از میلاد آن را ذکر کرده است. هر چند شواهد باستان‌شناسی و خطوط هیروگلیف مصری نشان می‌دهند که این بیماری به عنوان یک بیماری پوستی قدمتی دست‌کم ۲۵۰۰ ساله دارد که برای درمان آن هم از چربی حیوانی استفاده می‌کردند (بیسون^۳، ۱۹۲۷ و تاجبخش، ۱۳۷۲). تا قبل از قرن سیزدهم هجری این بیماری را کثیفی خون می‌دانستند و ابن‌الطهر پزشک ایرانی که بعد از آن تاریخ می‌زیست، اولین کسی بود که عامل آن را «انگل» ذکر کرد. در اروپا هم این بیماری در

^۱ Rahbari

^۲ Bahonar

^۳ Beeson

مناطق فقیرنشین و کثیف امری عادی و شناخته شده بود. انگل در رساله‌های علمی در اوایل ۱۱۰۰ میلادی توصیف شد، اما ارتباط آن با بیماری انسانی تا ۵۰۰ سال بعد شناخته شد (بیسون، ۱۹۲۷).

در سال ۱۶۸۹ پزشکی ایتالیایی به نام جیوانی بونومو از کشف یک موجود سفید بسیار کوچک و به سختی قابل رویت در ترشحات بدست آمده از زخم بیماران خبر داد و در قرن ۱۹ پس از اختراع میکروسکوپ، ونوکسی اولین کسی بود که جرب را زیر میکروسکوپ مشاهده کرد و ثابت نمود که این بندپای کوچک عامل بیماری گال است (لین^۱ و کروسکی^۲، ۱۹۹۳ و اولیویا^۳ و کوین^۴، ۲۰۱۲). اثرات ناشی از گال در هنگام جنگ جهانی و بعد از آن به وسیله تعداد زیادی از نویسندگان ثبت شده است. سوکولوف شرح داده است که چگونه تمام سربازان در جنگ ایتالیایی‌ها با ناپلئون (۱۷۹۶-۱۷۹۷) از بیماری رنج می‌بردند و اراسموس ویلسون آلودگی‌های وسیعی را در بین نیروهای بریتانیا در اثنای جنگ با مردم شبه جزیره کریمه مشاهده کرد، در حالی که میلیون در جریان جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) در مورد سربازان فرانسوی نوشت که گال حقیقتاً یک غضب الهی در بین لشکریان ماست (براون^۵، ۱۹۹۸).

جرب‌ها یک گروه بسیار بزرگ و مختلف شامل تقریباً ۳۰ هزارگونه هستند و انتظار می‌رود احتمالاً هنوز ۴۵ هزارگونه ناشناخته دارند که باید شناسایی شوند. در نگاه اول به نظر می‌رسد که بدنی ساده دارند، اما واقعیت این است که از نظر ساختمان بدن و هم چنین رفتار و عادات بی‌نهایت با هم تفاوت دارند. اکثر آن‌ها زندگی آزاد دارند، ولی تعدادی از آن‌ها انگل خارجی بی‌مهرگان و تمام مهره‌داران به‌ویژه پرندگان و پستانداران هستند. آن‌ها گسترش جهانی دارند و در تمام قاره‌های جهان، انسان و طیف وسیعی از جانوران اهلی و وحشی را درگیر می‌کنند. تعداد کمی از آن‌ها هم انگل داخلی هستند و ریه و مجاری بینی میزبان خود را آلوده می‌کنند (وال و شیرر، ۱۳۸۰).

عامل بیماری در لایه شاخی پوست انسان و پستانداران زندگی می‌کند. آلودگی در نشخوارکنندگان موجب خسارت اقتصادی زیادی شده و موجب کاهش رشد و اختلال

¹ Lane

² Crosskey

³ Oliwia

⁴ Kevin

⁵ Brown

در تغذیه می‌گردد (کوهن^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). ضمناً جرب یکی از بیماری‌های مشترک بین حیوانات و انسان و یک بیماری آمیزشی بوده و در دنیا ۳۰۰ میلیون نفر مبتلا به این آلودگی هستند و بین زن و شوهر حتی فرزندان و پدر و مادر بزرگ‌ها نیز انتقال پیدا می‌کند (دهقانی، ۱۳۹۲). در یکی از بررسی‌ها، که آهوان جزیره خارک مبتلا به جرب سارکوپتیس اسکابئی بودند، درمان شدند و علائمی از جمله موربختگی و خارش بدن در ناحیه گوش و پلک چشم از علایم درمانگاهی در حیوانات مبتلا بود. ضمناً ۴ نفر در سنین ۲۵ ساله تا ۶۲ ساله و ۲ نفر از وابستگان بررسی‌کنندگان نیز به این جرب مبتلا شدند (بازرگانی^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). بیماری جرب در ایران از گوسفند (افشاری صفوی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضوی و همکاران، ۱۳۸۳ و رهبری و باهنر، ۲۰۰۹)، بز (توسلی و همکاران، ۱۳۹۰)، شتر (مخصوص، ۱۳۶۷)، گاو (توسلی و همکاران، ۱۳۷۷ و نعمت‌اللهی^۳ و گل‌زردی^۴، ۲۰۰۷) و سگ و گربه (کتوندی، ۱۳۸۹) نیز گزارش شده است.

۲-۱. جرب در ایران باستان و ادبیات فارسی

به جرب و بیماری حاصل از آن بارها در اوستا اشاره شده است. در فروردین یشت باب ۲۹ بخش ۱۴۱، بر رویارویی با بیماری‌های جرب و تب و مانند آن‌ها از فریدون کمک خواسته شده است (بی‌نام، ۱۳۹۵). در فروردین یشت بند ۱۳۱ نیز آمده است: «فروهرپور آبتین را درود می‌فرستیم، از برای مقاومت بر ضد جرب و تب و تب لرزه و نژره^۵ و واوارشه^۶ و ...» و در بند ۵۶ از آبان یشت، اوستا آورده شده است: «اگر ای اسپنتمان زرتشت مردم در سرزمین‌های آریایی از برای تشر را یومند فرهمند را ستایش کنند، همان ستایش و نیایشی که شایسته اوست، هر آینه لشگر دشمن به این سرزمین‌ها داخل نتواند شد و نه سیل و نه جرب و نه کبست (زهر) و نه گردون‌های لشگر دشمن و نه بیرق‌های آنان نتواند که در ایران شهر برافراشته شود».

¹ Kuhn

² Bazargani

³ Nematollahi

⁴ Golezardy

⁵ naez

⁶ wavarcha

در اوستا جرب به نام «گرنو»^۱ که همان گری می‌باشد، آمده و درمان‌کننده این بیماری جایگاهی ارجمند داشته است (صالحی، ۱۳۸۹ و رضی، ۱۳۷۷).

در لغت‌نامه دهخدا اصطلاحات «گرگین شدن (گرگین)، گرگین شدن شتران، عیب و نقص، مرض خارش، مرضی است معروف که آن را گری، گرگنی، خارش، حکه و گال گویند و آن دانه‌های کوچکی است که در آغاز سرخ رنگ باشد و با خارش سخت عارض بدن می‌شود و گاه باشد که چرک کند و آن دو نوع است جرب تر و جرب خشک...» برای آلودگی با این انگل به کار رفته است. اصطلاح فارسی «پریون»^۲ نیز آورده شده است: «علتی باشد با خارش که آنرا گر گویند و به عربی جرب خوانند. (برهان قاطع). خارش. قوباء. (زمخشری). پریون: پارسی قوباپریون باشد. سوم آفت‌هائی است که اندر پوست پدید آید. از آن خراشیده شود. چون پریون که بتازی قوبا گویند. چون گر و خارش و پریون و آبله (ذخیره خوارزمشاهی)». همچنین این لغات که ریشه عربی دارند برای آن بکار رفته است: «اجرب: گر، گرگن، گرگین، گردار، پرخارش، صاحب مرض خارش، مونث: جرباء»، «جربان: گرگین، جرب»، «جرب یابس: گر خشک»، «جرب العین: جرب و خارش چشم» و «جربناک: گرگین» (دهخدا، ۱۳۷۳).

دکتر معین در فرهنگ معین آورده است «جرب: گری، گرگنی، مرضی است جلدی و ساری که به وسیله کنه مخصوصی بنام سارکوپت که از رده عنکبوتیان است، در پوست بدن انسان، دام‌ها و سگ ایجاد می‌شود» و ذکر کرده که «گر»^۳ لغتی پهلوی است و «گرگن»^۴ به کسی می‌گویند که به جرب مبتلاست و همین‌طور «گرگین»^۵ به فرد مبتلا به جرب می‌گویند «بوجهل را از سگ گرگین کمتر دانیم». در جلد اول نیز به پریون اشاره

^۱ garno

^۲ - paryūn قابل توجه این‌که این لغت فارسی را نباید با لغت انگلیسی Prion که کوچک‌ترین ذره قابل تکثیر (حتی کوچک‌تر از ویروس) و از جنس پروتئین است و در انسان و حیوانات بیماری‌زا می‌باشد، اشتباه گرفت. معروف‌ترین بیماری ایجادشده توسط این ذرات، بیماری جنون گاوی است و کاشف آن به دلیل کشف آن جایزه نوبل گرفت.

^۳ gar

^۴ gargen

^۵ gargin

می‌کند که به معنی مرضی است همراه با خارش، گر، جرب و لغت «گال»^۱ که البته فرانسوی است (معین، ۱۳۷۵).

در فرهنگ عمید نیز به لغات پریون، جرب، گال، گر، گری، گرگن و گرگین اشاره شده است (عمید، ۱۳۷۵). افزون بر این، ناصرخسرو دردیوان اشعار خود می‌فرماید (ناصرخسرو، ۱۳۶۵):

«گر نخواهی رنج گر از گرگنان پرهیز کن / جهل، گر است ای پسر، پرهیزکن زین زشت گر»
 شرح چند ضرب‌المثل فارسی از جمله «یک بز گر، یک گله را گر می‌کند»، «بز گر از سرچشمه آب می‌خورد» و «سگ گر و قلاده زر» توصیف این بیماری است.
 در دانش‌نامه اسلامی نیز آمده است: «جرب به فتح جیم و را به معنای نوعی بیماری پوستی می‌باشد و از آن به مناسبت در باب حج نام برده‌اند. در لغت به معنای گری، گال می‌باشد. توضیح جرب: جرب نوعی بیماری پوستی مسری ناشی از رشد انگلی خاص در نقاط مرطوب پوست مانند کشاله ران است که باعث خارش شدید می‌شود. احکام جرب بنابر قول، به حرمت خارج کردن خون از بدن برای محرم، بنا به ضرورت، همچون خاراندن بدن برای مبتلا به جرب، استثنا شده است، هرچند منجر به بیرون آمدن خون گردد. حیوان مبتلا به جرب (جرباء) از قربانی حج کفایت نمی‌کند»^۲.

۲. روش پژوهش

جمعیت روستائی ایران، در حدود ۲۰ میلیون است^۳. بخشی از وظایف آن‌ها پرورش حدود ۶۸۰ میلیون راس نشخوارکنندگان کوچک و ۸/۵ میلیون راس نژادهای مختلف گاو، از جمله حدود ۳ میلیون راس گاو بومی است^۴ که حفظ سلامت آن‌ها برای دامداران اهمیت دارد. آن‌ها غیر از زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های شفاهی - گفتاری رایج، از گویش‌های ویژه مسائل کشاورزی و دامداری از جمله بیماری‌ها، استفاده می‌کنند. یکی از آن‌ها بیماری جرب است. برای جمع‌آوری و ثبت مکتوب گویش‌های

^۱ gal

^۲ دانشنامه اسلامی. دیکشنری آنلاین آبادیس <http://dictionary.abadis.ir/Word/WikiIslamic>

^۳ مرکز آمار کشور. وب‌گاه رسمی مرکز آمار ایران www.amar.org.ir

^۴ آمار جمعیت دام به تفکیک نوع دام و استان در سال ۱۳۹۴. وب‌گاه رسمی معاونت امور تولیدات دامی dla.agri-jahad.ir

آن، پرسشنامه‌ای در دهه هشتاد با کمک سازمان دامپزشکی کشور و عمدتاً دامپزشکان تهیه شد که در آن، گویش‌ها، محل جغرافیایی و تاریخ ثبت شده و پس از تکمیل به گروه انگل‌شناسی دانشکده دامپزشکی تهران ارسال گردید. برای ثبت گویش‌ها از همکاری دامپزشکان بومی هر محل استفاده شد تا امکان اشتباه گرفتن بیماری مورد نظر با بیماری‌های دیگر به وجود نیاید. دامپزشکان هر استان برای پر کردن پرسشنامه تهیه شده با دامداران و ریش سفیدان روستاها صحبت کرده و در نهایت لیستی از اسامی رایج برای این بیماری را در استان مربوط به خود تهیه نمودند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج ثبت و مکتوب نمودن اسامی محلی بیماری جرب نشخوارکنندگان ایران در جدول (۱) خلاصه شده است.

جدول (۱) اسامی بیماری ناشی از جرب‌های نشخوارکنندگان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

پراکنندگی جغرافیایی	گویش	آوانگاری	پراکنندگی جغرافیایی	گویش	آوانگاری
آذربایجان شرقی	شیرینک	širinak	خراسان شمالی	گرگی	gargi
	شیره	šire		گر	gar
	قوتور	qutur	خوزستان	گری	gari
	قوتوز	qutuz		یرب	yerab
	گوره	gure	زنجان	قوتور	qotur
آذربایجان غربی	خه رو	xeru	سمنان	گر	gar
	شیرینک	širanak	سیستان و بلوچستان	بوتوک	butuk
	شیرنه	širne		گر	gar
	قوتور	qartur	فارس	گال	gāl
	قوتور	qutur		گری	gari
	قوری	quri	قزوین	گر	gar
	گال	gāl		قوتور	qotur
	گرگه	garge	قم	گر	gar

gāroli	گارولی	کردستان	gure	گوره	
gar	گر		bid	بید	اردبیل
šeqāqi	شقایقی		tuqur	توقور	
beku	بکو	کرمان	dāmiro	دامیرو	
šešek	ششک	کرمانشاه	qotur	قتور	
šepešak	شپشک	کهگیلویه و بویر احمد	qutur	قوتور	
qotur	قتور	گلستان	qizmā	قیزما	
xāre	خاره	گیلان	kāuve	کائوه	
toqurlux	تقورلوخ		kuve	کوه	
somuk	سموک		gāl	گال	
kuš	کوش		gari	گری	اصفهان
kive	کی وه		gāl	گال	
gāl	گال		gari	گری	ایلام
gar	گر		haške	هشکه	
gerbend	گر بند		jeye	جیه	بوشهر
gara	گره		kerne	کرنه	
espīj	اسپیج	مازندران	šepešak	شپشک	تهران
gāl	گال		quturi	قوتوری	
gari	گری		hire	هییره	
gari	گری	لرستان	kozāzi	کزازی	چهار محال و بختیاری
širank	شیرنک	مرکزی	gar	گر	
tin	تین	هرمزگان	butuk	بوتوک	
bolak	بولک		sefidak	سفیدک	خراسان جنوبی
hāroštu	هاروشتو		šaqāqi	شقایقی	
qotur	قتور	همدان	gargi	گرگی	
gāl	گال		puč gandegi	پوچ گندگی	خراسان رضوی
kive	کی وه		xiš	خیش	
qoturlux	قتورلوخ		šepeši	شپشی	
gari	گری	یزد	šaqāq	شقایق	

به طور کلی، تعداد ۱۰۱ بیماری مختلف عفونی در نشخوارکنندگان ایران گزارش شده است که در این میان تعداد بیماری‌های انگلی ۳۲ عدد، باکتریائی ۳۱ عدد، ویروسی ۳۱ عدد و قارچی ۷ عدد بوده است (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۸). دامداران، در بین این بیماری‌ها، آن‌هایی را که در زندگی روزمره شایع تر و آشنا تر هستند، با مشاهده انگل با چشم غیرمسلح و نشانه‌های بالینی می‌شناسند و با اسامی محلی گفت‌وگو می‌کنند. این انگل، پوست را سوراخ کرده و از لmf تغذیه می‌کند و موجب تحریک موضعی و ترشح سم، خارش شدید، سوزش و وضعیت عمومی بد حیوانات آلوده می‌شود.

در جمع‌بندی این مطالعه، در پرسشنامه استان البرز، اسم محلی جرب ذکر نشده بود، ولی براساس گویش‌های جرب استخراج شده از پرسشنامه‌ها، ۸۴ عدد ثبت و مکتوب شده است و طیف تعداد اسامی محلی جرب در استان‌های مختلف از یک تا نه عدد متغیر است. در حال حاضر اصطلاح فارسی «پریون» در هیچ یک از استان‌ها به کار نمی‌رود، اما لغت فارسی «گر» یا اصطلاحات نظیر آن مثل «گری»، «گرگه» یا «گربند» در ۱۷ استان استفاده می‌شود. لغت فرانسوی «گال» نیز در هفت استان رایج است.

به گزارش آمارگران یونسکو در طول هزاره‌ای که پشت سر گذاشتیم، بیش از دو هزار زبان و لهجه و گویش بومی از میان رفته است. در این هنگامه بی‌امان تشخیص‌زدایی فرهنگی، نگهداری جلوه‌های گوناگون فرهنگ و هویت ملی، از جمله زبان و گویش‌ها چه دشوار شده است و ما در این میان چه غافل مانده‌ایم. سرکاراتی در اهمیت گویش‌های ایرانی از قول مورگن اشتیرنه نقل می‌کند: «پژوهش‌های مربوط به گویش‌های ایرانی بسیار اندک، بسیار پراکنده و بسیار ناسامان‌مند است، به گونه‌ای که نمی‌توان تصویری کلی از آن‌ها را چه از نظر طبقه‌بندی جغرافیایی و رده‌شناختی، چه از نظر پیشینه تاریخی و ارتباط ژنتیک آن‌ها با یکدیگر ارائه کرد!» در طول تقریباً چهل سال گذشته لهجه‌های ایرانی تازه‌ای کشف شده و بررسی‌های ارزشمند فراوانی در این زمینه انجام گرفته است و از این رهگذر بر غنای اطلاعات گویش‌شناختی افزوده شده است؛ اما با وجود این از موانع و دشواری‌هایی که بر سر راه شناخت و گردآوری گویش‌های ایرانی در گذشته وجود داشته، چندان کاسته نشده، بلکه در برخی موارد دشواری‌های تازه‌ای پدید آمده است. فزون بر این، کاهش قابل ملاحظه توجه و علاقه شرق‌شناسی غربی به جنبه‌های صرفاً عملی فرهنگ ایرانی یکی دیگر از عوامل رکود

کوشش و پژوهش در این زمینه است و تاسف‌انگیزتر از همه این است که در نیم قرن گذشته شمار زیادی از لهجه‌های ایرانی خاموش و فراموش شده‌اند. امروز بسیاری از گویش‌های ایرانی چه در ایران و چه در خارج از ایران در معرض فراموشی و نابودی‌اند. از بین رفتن گویش‌های محلی و یک زبان قومی، به تنهایی رنج‌آور و تاسف‌انگیز است. اما دردناک‌تر، آن است که از میان رفتن یک زبان یا گویش، مساوی است با از بین رفتن یک تاریخ و فرهنگ شفاهی یک قوم و یک ملت، از بین رفتن داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... توجه به این مهم، توجه به لزوم حفظ و احیای زبان‌ها و گویش‌ها را صد چندان می‌سازد (سرکاراتی، ۱۳۹۲).

در ایران هزاران گویش، ضمن جمع‌آوری و ثبت موضوعی مختلف از جمله در کتاب «گنجینه گویش‌های ایرانی استان اصفهان ۱» منتشر شده است (اسماعیلی، ۱۳۹۰)، ولی درباره فناوری، چاپ گویش‌ها در ایران بسیار کم است. بر اساس اطلاعات موجود، «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کلهری» (ملکی، ۱۳۸۷)، «اسامی محلی بعضی داروها، بیمارهای دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر» (جعفرزاده، ۱۳۹۰) و «واژگان دامپزشکی در زبان آذری» (شایق، ۱۳۸۸) چاپ شده است. همچنین، گویش‌هایی درباره فاسیولیزیس (اسلامی و مشکات، در دست چاپ)، دیکروسلیازیس (اسلامی، ۱۳۹۴) و گویش‌های بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان (اسلامی، ۱۳۹۳) منتشر شده است. متأسفانه جمعیت روستائیان کشور، کم و بیش مانند سایر نقاط دنیا، که تولیدکننده فراورده‌های غذایی انسان و حیوانات هستند، در حال کاهش است. طبق آمار سال ۱۳۳۵، ۶۸٪ جمعیت ایران، روستائی و ۳۲٪ شهری بودند و به ترتیب هر ۱۰ سال یکبار که آمارگیری انجام شده، جمعیت روستائی با کاهش قابل مشاهده‌ای روبرو بوده است. به طوری که جمعیت روستائی، ۶۴٪ در سال ۱۳۴۵، ۵۳٪ در سال ۱۳۵۵، ۴۶٪ در سال ۱۳۶۵، ۳۹٪ در سال ۱۳۷۵ و در نهایت در سال ۱۳۸۵، از جمعیت ۷۰ میلیونی، ۶۸٪ شهری و ۳۲٪ روستائی بوده است و طبق گزارش رئیس مرکز آمار، جمعیت روستائی در سال ۱۳۹۵، به ۲۰٪ خواهد رسید^۱. یعنی کم‌تر از ۲۰ میلیون نفر جمعیت روستائی ایران به گویش‌ها و لهجه‌های شفاهی - گفتاری در زمینه دامداری گفت‌وگو می‌کنند. برای ثبت این گویش‌ها، دامپزشکان، کارکنان فنی و افرادی که با این

^۱ مرکز آمار کشور. وب‌گاه رسمی مرکز آمار ایران www.amar.org.ir

حرفه سروکار دارند و همچنین گویش‌شناسان و زبان‌شناسان باید سریع‌تر در جهت حفظ و دست‌کم ثبت و ضبط گویش‌های ایرانی گام بردارند. زیرا بسیاری از لهجه‌های ایرانی در برابر نفوذ روزافزون زبان فارسی معیار در حال از میان رفتن‌اند و حق این است که هرچه زودتر در جمع و تدوین آن‌ها کوشش شود.

فهرست منابع

اسلامی، علی (۱۳۹۳) «اسامی بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی». *مجله تحقیقات آزمایشگاهی دامپزشکی*. ۶ (۱).

اسلامی، علی (۱۳۹۴) «نام‌های بیماری دیکروسلیازیس در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی». *مجله نسخه دامپزشکی*. نیمه مهر - آبان.

اسلامی، علی و م. مشکات (در دست چاپ) «نام فاسیولیازیس (بیماری انگلی کبدی نشخوارکنندگان) در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی». *ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی*.

اسلامی، علی، تاجبخش، ح. نادعلیان، م. ق. مشکوت، م. مخیر، ب. زینلی، م. رهبری، ص. کیوانفر، ه. خسروی، ع. (۱۳۷۸) *چشم‌انداز آینده کنترل بیماری‌های عفونی گزارش شده از نشخوارکنندگان و مشترک با انسان در ایران*. طرح تحقیقاتی مصوب گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

اسماعیلی، م.م. (۱۳۹۰) *گنجینه گویش‌های ایرانی استان اصفهان ۱*. نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

افشاری صفوی، احسان‌الله، سید حسین مودب و مجتبی خدمتگزار (۱۳۹۰) «آلودگی با جرب سارکوپتس اسکبئی (*Sarcoptes scabiei*) در گوسفند نژاد سنجابی: گزارش موردی» *همایش علمی سالانه دانشگاه رازی*.

بی‌نام (۱۳۹۵) «پیشینه پزشکی در ایران باستان ایران پیش از اسلام» *سایت ویستا*. <http://vista.ir/article/308416>

تاجبخش، حسن (۱۳۷۲) *تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*، ج ۱: ایران باستان. تهران: دانشگاه تهران.

توسلی، موسی، بهرام دلیر نقده و عزیز سهندی (۱۳۹۰) «مطالعه بررسی آلودگی به انگل‌های دستگاه گوارش و خارجی در بزهای استان آذربایجان غربی، ایران»، *مجله تحقیقات دامپزشکی تهران*. ۶۶ (۱).

توسلی، موسی، صادق رهبری و سیامک زارعی (۱۳۷۷) «جرب کوریوپتس بویس از گاو در ایران»، *مجله تحقیقات دامپزشکی تهران*. د ۵۳، ش ۱، ۲.

جعفر زاده، حسن (۱۳۹۰) «اسامی محلی بعضی داروها، بیماری‌های دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر». *مجله نظام دامپزشکی (تهران)*. ۲۱.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) *لغت‌نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

دهقانی، ر. سیدی، ح م، زرقی، ا. شهریسوند، ب. (۱۳۹۲) «مروری بر وضعیت بیماری گال و عوامل مرتبط با آن در ایران». *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*. (۲۱(۷).

رضوی، سیدمصطفی، سیدشهرام شکر فروش، جعفر زبیری و باقرسادات شجاعی (۱۳۸۳) «مطالعه آلودگی مخفی جرب *Psoroptes ovis* در گوسفند». *فصلنامه پژوهش و سازندگی*. س. هفدهم، ۶۴(۲).

رضی، هاشم (۱۳۷۷) *اوستا*، تهران: انتشارت فروهر.

سرکاراتی، ب. (۱۳۹۲) «اهمیت گویش‌های ایرانی». وب گاه مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی): www.cgie.org.ir
شایق، ج. (۱۳۸۸). *واژگان دامپزشکی در فرهنگ بومی آذربایجان*، نشر دانشگاه آزاد اسلامی شبستر.

صالحی، دلاور (۱۳۸۹) «بیماری‌های دوران زرتشت و پزشکی آن دوره»، *مجله الکترونیکی* <http://celio.blogfa.com>

عمید، حسن (۱۳۷۵) *فرهنگ عمید*، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
کتوندی، نگار (۱۳۸۹) *بررسی آلودگی به انگل‌های خارجی در سگ و گربه‌های ارجاع داده شده به بیمارستان دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه دفاع شده در دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز.

کلباسی، ا. (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران*، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- مخصوص، سیروس (۱۳۶۷) بررسی بیماری گال شتران *Sarcoptes Scabiei Var cameli* در کشتارگاه آبیگ قزوین، پایان‌نامه دفاع شده در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران.
- معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، چاپ دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ملکی، ن. (۱۳۸۷) «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کله‌ری». مجله گویش‌شناسی، ویژه‌نامه فرهنگستان.
- ناصر خسرو (۱۳۶۵) دیوان اشعار، زیر نظر مجتبی مینویی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- وال، ریچارد و دیوید شیرر (۱۳۸۰) حشره‌شناسی دام‌پزشکی، ترجمه موسی توسلی، چاپ اول، ارومیه: انتشارات دانشگاه ارومیه.
- Bazargani, TT. Hallan, JA. Nabian, S. Rahbari, S. (2007) "Sarcoptic Mange of Gazelle (*Gazella subguttarosa*) and Its Medical Importance in Iran", *Parasitol Res.* 101(6).
- Beeson, BB. (1927) "Acarusscabiei: Study of Its History", *Arch Dermatol Syphilogr.* 16.
- Brown, HW. (1998) *Basic Clinical Parasitology*, 1st ed. London: Appleton and Lange.
- Kuhn, C. Lucius, R. Matthes, HF. Meusel, G. Reich, B. Kalinna, BH. (2008) "Characterisation of Recombinant Immunoreactive Antigens of Scab Mite *Sarcoptes Scabe*". *Vet Parasitol.* 31, 153 (3-4).
- Nematollahi, A. Moghaddam, Gh. A. Golezardy, H. (2007) "An Outbreak of Chorioptes Bovis Mange on a Dairy Farm in Tabriz, Iran", *Iranian J. Vet. Res. Shiraz University.* Vol. 8, No. 4, Ser. No. 21.
- Oliwia, J. Andrzej, S. Kevin, K. (2012) "The Potential Role of Demodex Folliculorum Mites and Bacteria in the Induction of Rosacea", *J Med Microbiol.* 4.
- Rahbari, S. Nabian, S. Bahonar, AR. (2009) "Some Observation on Sheep Sarcoptic Mange in Tehran Province, Iran". *Trop. Anim. Health.* 41(3)
- Richard, P. Roger, WC. (1993) *Medical Insect and Arachnids.* 1st ed. London: chapman and Hall publishing.